

بازخوانی حقوق جنسی زوجه از منظر اصول کلان اخلاقی و حقوقی

طوبی شاکری گلپایگانی^۱، لیلا بهرامی^۲

چکیده

حقوق خانواده منبعث از ارزش‌های اخلاقی است و ارتباط عمیق قواعد حقوقی و موازین اخلاقی از اصول بنیادین نظام حقوقی اسلام است. از این رو، توجه به گزاره‌های اخلاقی مورد نظر شارع در ساحت خانواده در تدوین احکام، قوانین و قواعد حقوقی ضرورت دارد. پژوهش حاضر باهدف بررسی چگونگی تأثیر اصول کلان اخلاقی و حقوقی در ساحت روابط جنسی زوجین به روش توصیفی- اسنادی و با بهره‌گیری از منابع معتبر فقهی و قانونی متقدم و متأخر انجام شد. این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که اصول کلان اخلاقی و حقوقی در حیطه روابط جنسی زناشویی و دست‌یابی زنان بر حقوق جنسی خود چه کاربردی دارد و آیا این اصول می‌تواند در بازتعریف حقوق جنسی زوجه مؤثر باشد؟ اطلاعات بررسی شده بر این نکته دلالت دارد که امر جنسی در اسلام، نظام‌مند بوده و به‌صورت جامع توجه و بررسی شده است که در پرتو نحوه تعامل اخلاق و حقوق، اصول کلان مشترک به‌عنوان اصول بنیادین و پیشاتشریحی در دست‌یابی به حقوق جنسی مؤثر است. نتایج نشان می‌دهد که اصول کلانی همچون عدالت، کرامت، حریم خصوصی و اصل آزادی، گزاره‌های مهم مشترکی هستند که می‌تواند روابط جنسی زوجین را از منظر اخلاق مورد بازخوانی قرار داده و حقوق جنسی زوجه را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: اخلاق جنسی، روابط زناشویی، حقوق جنسی، اصول اخلاقی، اخلاق زیستی.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

۱. استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: T.Shakeri@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات زنان (گرایش حقوق زن در اسلام)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول)

Email: l.bahrami@modares.ac.ir

Rereading Wife's Sexual Rights from the Viewpoint of General Moral-Legal Principles

Touba Shakeri Golpayegani^۱, Leila Bahrami^۲

The family's rights is rooted in moral values and the deep relationship between legal rules and moral standards is among the basic principles of Islamic legal system; thus, paying attention to jurists' moral statements in legislating in the matter of the family is necessary. The present study aimed to investigate how the general moral-legal principles have an effect on couples' sexual relations with a descriptive-documentary method using earlier and later valid jurisprudential-legal sources. The main question is as follows: what is the use of the general moral-legal principles in marital sexual relations and women's achievement in their sexual rights, and can these principles have an effect on the redefinition of wife's sexual rights? According to the reviewed information, in Islam, a sexual issue is systematic, and it is totally confirmed that, in the light of the interaction between ethics and law, the general shared principles, as basic and pre-legislative ones, have effect on achieving the sexual rights. The results showed that the general principles such as justice, dignity, privacy, and freedom, are the important shared statements that can reread couples' sexual relations from the view of ethics and explain wife's sexual rights.

Keywords: sexual ethics, marital relations, sexual rights, moral principles, bioethics.

Paper Type: Research

Data Received: ۰۱/۰۳/۲۰۲۱ **Data Revised:** ۱۸/۰۵/۲۰۲۱ **Data Accepted:** ۳۰/۰۵/۲۰۲۱

۱. Assistant Professor, Department of Women's Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: t.shakeri@modares.ac.ir

۲. Ph. D. Student in Women's Studies in the Field of Women's Right in Islam, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: l.bahrami@modares.Ac.ir

رضایت زناشویی، نتیجه تجمیع متغیرهایی است که یکی از مهمترین آنها رضایت جنسی است. براساس آمارهای اعلام شده توسط مراکز مشاوره و همچنین پژوهش‌های صورت گرفته، اختلال در روابط جنسی زوجین از علل مهم اختلافات زناشویی و طلاق است. (بهرامی و توسلی، ۱۳۹۹؛ میرشمشیری، ۱۳۹۴) نتایج پژوهش‌ها در سال‌های اخیر نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین رضایت زناشویی و رضایت جنسی زوجین است که این امر در ایجاد آرامش و یا ایجاد تعارض، اثربخش است (رحیمی، ۱۳۹۱؛ معصومی، رضائیان و حسینیان، ۱۳۹۶) و می‌تواند بر کیفیت سلامت روانی آنها تأثیر بگذارد (طلایی‌زاده، ۱۳۹۵؛ بیلر، جهان‌بخشی و جهانگیر، ۱۳۹۵). براین اساس، پرداختن و طرح مسئله روابط جنسی زوجین و بهبود آن برای کاهش آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی توسط پژوهشگران ضرورت می‌یابد و مراجعه به منابع اصیل شرعی برای یافتن راهکار اولویت دارد. شارع در کنار تبیین اصول حقوقی، گزاره‌های اخلاقی را نیز در این حیطة شناسایی می‌کند.

نفوذ وسیع اخلاق در قواعد حقوقی خانواده، گسترده است. اخلاق را می‌توان از عناصر مهم شکل‌دهنده حقوق خانواده دانست و حتی در پاره‌ای از موارد بر آن مقدم شمرد. قواعد اخلاقی، پشتوانه حمایت از نهاد خانواده است و تأثیر و نفوذ اخلاق در حقوق خانواده بیش از سایر حوزه‌های حقوقی است؛ زیرا خانواده فقط سازمانی حقوقی نیست بلکه همراه با عاطفه و احساس بوده و شأن اخلاقی و معنوی دارد. (قنبرپور، ۱۳۹۸) یکی از مهمترین زیرمجموعه‌های اخلاق، اخلاق جنسی است. سامان بخشیدن به روابط جنسی، همیشه مهمترین وظیفه اخلاق است؛ زیرا گزینه جنسی نه تنها در زمان ازدواج بلکه قبل و بعد از آن نیز مشکلاتی ایجاد کرده و در نتیجه شدت و حدت این گزینه و نافرمانی آن نسبت به قانون و انحراف از مسیر طبیعی، اغتشاش و بی‌نظمی در سازمان‌های اجتماعی تولید کرده است (ویل‌دورانت^۱، ۱۳۸۲). ساز و کار خاص روابط میان اعضای خانواده سبب می‌شود که اجرای قواعد و تضمینات حقوقی برای احقاق حقوق اعضا و اجرای عدالت، مطلوب نهایی تلقی نشود بلکه حفظ نهاد خانواده،

۱. William Durant

مصلحت اهم به شمار آید. از این رو، الزامات اخلاقی در برابر الزامات حقوقی، اثرگذاری مطلوب تری بر خانواده خواهد داشت (اسدی و ذبیحی، ۱۳۹۴).

براین اساس، فلسفه وجودی حقوق که فراهم آوردن شرایط تام استیفای حق‌های ثابت انسانی و شهروندی در ساحت حاکمیت اصول کلان عقلی است در پرتو اخلاق کارآمد می‌شود. این اصول بیشتر ماهیت تلفیقی اخلاقی-حقوقی دارد و نه فقط حقوقی و از آن جهت اهمیت دارد که اصول حقوقی در روابط انسانی مربوط به ساحت حریم خصوصی به تنهایی قادر به تعدیل اراده‌های نابرابر انسانی نیست. بنابراین، افق تعاملات انسانی زوجین در حریم خصوصی خانواده، برخورداری از حاکمیت این اصول دوگانه اخلاقی و حقوقی به دلیل نابرابری است تا بتواند به نیازهای مشروع افراد پاسخ مناسب دهد. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا بررسی حقوق جنسی زوجه از منظر اصول اخلاقی می‌تواند در بازنگری در آن و ایجاد رویکرد نوین مؤثر باشد. اصول کلان اخلاقی که در ساحت حقوق نیز بدان تمسک می‌شود چگونه بر حقوق جنسی زوجه اثر گذاشته و آن را تعدیل می‌کند.

پژوهش‌های پیشین از زوایای مختلفی این موضوع را بررسی نموده و عمده پژوهش‌های موجود، حقوق جنسی زوجین را همراه و از نظر حق و تکلیف حقوقی طرفین بررسی کرده‌اند. (شعرباف‌چی‌زاده، ۱۳۹۹؛ نظری توکلی، ۱۳۹۷؛ مؤمن، ۱۳۹۱؛ شریعتی، ۱۳۹۶) برخی از پژوهش‌ها استیفای این حقوق را از منظر حقوق کیفری و در بستر تجاوز زناشویی بررسی کرده‌اند (زهروی، ۱۳۹۹؛ فرجیها، ۱۳۹۸؛ کاظمی و قاسمی، ۱۳۹۹). همچنین برخی از تحقیق‌ها، حیطه خاصی از رابطه جنسی زوجین مانند رابطه جنسی نامتعارف را نقد و ارزیابی کرده‌اند (میرکمالی، ۱۳۹۶؛ نوبهار، ۱۳۹۷). پژوهش حاضر با شناسایی ضرورت‌ها و اهمیت موضوع و با کشف خلأ رویکرد اخلاقی به حق جنسی زوجه به شکل اختصاصی نگاشته شده است. نوآوری پژوهش در بازخوانی حقوق جنسی از منظر اصول کلان اخلاقی-حقوقی و با هدف یافتن راهکار شرعی در حل تعارضات زناشویی مبتنی بر اختلالات جنسی است که در پژوهش‌های پیشین به آن پرداخته نشده است. مقاله حاضر با روش اسنادی-تحلیلی انجام شد. ابتدا مفاهیم، ضرورت و اهمیت امر جنسی تبیین شده و سپس اصول کلان اخلاقی-حقوقی در حیطه

روابط خاص زناشویی واکاوی گردید تا از رهگذر این اصول، حق زوجه در روابط جنسی زناشویی را بازخوانی و بازتعریف شود.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۱-۲. مفهوم‌شناسی اصول

اصول^۱ جمع اصل و اصل در لغت چیزی است که شیء دیگر بر آن مبتنی است. (الفیومی، ۱۴۱۸هـ.ق) از دیدگاه اسلام، مفاهیم یا گزاره‌های کلی، باید محور یا انشایی هستند که از متون اسلامی که راهنما و معیار و حاوی روش‌های تربیتی هستند، استخراج شده‌اند (بهشتی، ۱۳۸۹). اصل، گزاره‌هایی است که انسان را در درک و تبیین تعدادی دیگر از گزاره‌ها و نشان‌دادن جهت‌گیری‌های کلان یاری می‌کند و پیرامون موضع‌گیری‌ها بحث می‌کند. چه بسا طراحی احکام و قواعد نظام اسلامی بر پایه آنها صورت پذیرد نه اینکه این قواعد برای دست یافتن به آنها وضع شود (مهدوی کنی، ۱۳۹۲). بنابراین، اصل با قاعده تفاوت دارد. در ساحت اخلاق، قاعده‌های کلی حامل احکام اخلاقی کلان، تعبیر به اصول می‌شود، ولی تمایز اصل به قاعده، مربوط به بنیادین بودن اصل، پیشاتشریعی بودن و محاط بودن حقوق به اصول است. قواعد علاوه بر برخورداری از خصیصه کلیت و عمومیت نسبت به احکام جزئی از ویژگی هم‌زمانی به لحاظ تشریح نسبت به فروع از احکام و قواعد برخوردار است و مربوط به یک باب از ابواب حقوقی نیست بلکه ممکن است بر ابواب مختلفی از فقه یا حقوق حاکم باشند.

۲-۲. مفهوم‌شناسی اخلاق

واژه اخلاق^۲ از نظر لغوی جمع خُلُق به معنای طبع انسان، صورت باطنی و صفات ویژه، سجایا و خوی انسان است که در برابر صورت ظاهری او قرار می‌گیرد. (ابن منظور، ۱۴۱۴) در قرآن کریم نیز واژه خُلُق به همین معناست. راغب در کتاب مفردات می‌گوید: «خُلُق و خُلُق در اصل از یک ریشه است. خُلُق به معنای هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). در زبان لاتین، معادل واژه اخلاق،

۱. Principle

۲. Ethic

Archive of SID

دو واژه **ethic** و **moral** است که اولی به ارزش‌های خاص و اصول اخلاقی و دیگری به اخلاق فردی و سرشت انسانی دلالت دارد و تعاریف متفاوتی از آن در بین فلاسفه و حقوق‌دانان وجود دارد.

اخلاق از منظر فیلسوفان اسلامی، ملکات نفسانی و هیئت‌های روحی است که اگر نفس بدان متصل شود به سهولت کاری را انجام می‌دهد و باعث می‌شود کارهای زشت یا زیبا به آسانی از نفس متخلق به اخلاق خاص، نشأت بگیرد. اخلاق حسنه و سیئه، به بایدها و نبایدها یا فضائل و رذایل تقسیم می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۷۴) در بین فلاسفه غربی معاصر نیز برخی اخلاق را مجموع قوانین رفتار می‌دانند که انسان به واسطه رعایت آن می‌تواند به اهدافش برسد. همچنین گفته شده است که اخلاق، مجموعه‌ای از قواعد و اصول است که انسان‌ها در زندگی به کار می‌برند. تفاوت اصلی رویکرد بین اخلاق غربی و اسلامی در توجه ویژه اخلاق اسلامی به صفات نفسانی است حال آنکه رویکرد غربی، بیشتر به خود رفتار فارغ از صفات نفسانی و روح انسان توجه دارد (دیرباز، ۱۳۹۵). برخی حقوق‌دانان نیز اخلاق را به معنی مجموعه قواعدی می‌دانند که رعایت آنها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال لازم است. بنابراین، قواعد اخلاقی، میزان تشخیص نیک و بد تلقی می‌شود و احترام به این قواعد نیز ریشه در ضمیر و نهاد انسان دارد بی‌آنکه نیازی به دخالت دولت باشد و انسان در وجدان خویش آنها را محترم و اجباری می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر مقصود از اخلاق، اصول اخلاقی مورد نظر شارع است.

۲-۳. مفهوم‌شناسی حقوق

حقوق^۱ واژه‌ای عربی و جمع کلمه حق به معنای ضد، خلاف باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقتضی، حزمی و سزاوار (معلوف، ۱۳۷۳)، صلاحیت داشتن (فراهیدی، ۱۴۰۸هـ.ق) و اثبات کردن (زمخشری، ۱۴۱۷هـ.ق) است. در اصطلاح، حق را امتیازی می‌دانند که قواعد حقوقی برای تنظیم روابط اشخاص به سود پاره‌ای از آنها در برابر دیگران ایجاد می‌کند که گاه به حقوق فردی تعبیر می‌شود و مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی است که با هدف ایجاد نظم و استقرار عدالت در

۱. Law

زندگی اجتماعی انسان حاکم بوده و دولت اجرای آن را تضمین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲). دو نظریه در تعریف حق مطرح است: یکی نظریه اراده-انتخاب^۱ و دیگری نظریه سود-منفعت^۲. در نظریه منفعت، حق یعنی، منفعت تضمین شده. در این نظریه حق برای حفظ و حمایت از یک منفعت شکل می‌گیرد و با هدف تضمین یک منفعت بنیادین دیگران را مکلف می‌سازد. در تعریفی دیگر حق یعنی، اراده تضمین شده؛ بدین معنا که گوهر حق و جزء مقدم آن، وجود اراده آزادی است که می‌تواند اراده‌های دیگر را مقید کند (راسخ، ۱۳۹۸). پذیرفتن هر یک از این نظرها، هنجارها و ارزش‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند. در پژوهش حاضر معنای دوم حقوق جنسی زوجه مورد نظر است.

۲- ۴. مفهوم‌شناسی حق جنسی

حق بهره‌وری جنسی^۳ حق طبیعی انسان است که علاوه بر خاستگاه جسمی از جنبه‌های عاطفی و روانی نیز اهمیت دارد و از سوی خالق برای تأمین این گزینه به انسان سلطه داده شده است. (شریعتی، ۱۳۹۶) در نظام خانواده، این حق دوسویه است؛ یعنی در مقابل حق بهره‌وری جنسی از طرف مقابل، تکلیف به برآورده کردن نیازهای او نیز تشریح شده است. بدیهی است برای بهره‌مندی از این حق، عمل به تکلیف در مقابل آن وجوب شرعی دارد (احمدیه، ۱۳۹۷). قاعده لزوم معاشرت به معروف برآمده از آیات قرآنی (ر.ک.، بقره: ۲۲۸؛ نساء: ۱۹) از مهمترین دلایل توازن میان حقوق و تکالیف جنسی زوجین است (قریشی، ۱۳۸۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۶؛ نوبهار، ۱۳۹۷).

۲- ۵. تبیین امر جنسی زناشویی در اسلام

اسلام میل جنسی را در قالب برنامه و نظام جامعی متشکل از اخلاق و حقوق جنسی آن مورد توجه و تأکید قرار داده است. از منظر شارع مقدس، ارضای نیازهای جنسی منحصر در نکاح است (فقیهی، ۱۳۸۷) و هر نوع تأمین نیاز از غیر راه مشروع، مطرود و مستوجب مجازات است. با انحصار روابط جنسی مطلوب و مشروع در نکاح، یکی از اساسی‌ترین مطالبات زن و مرد پس از ازدواج، تأمین صحیح این نیاز در قالب خانواده

۱. will choice theory
۲. interest-benefit theory
۳. Sexual Right

است. وجود گزاره‌های مختلف در مورد مسائل جنسی در فقه، بر وجود نظام خاص جنسی در اسلام دلالت دارد. لذت برای لذت و یا لذت به تنهایی در اسلام اصالت ندارد و زوایای معنوی، اخلاقی و دینی لذات هم مورد توجه بوده است. تأمین و ارضای نیاز به شیوه مشروع، عبادت به شمار می‌آید و افراط و یا تفریطی به هر شکلی در مواجهه با این میل رد شده است. تأکید بر تشکیل و تحکیم ازدواج با برشمردن محاسن آن، اهمیت و ضرورت تأمین نیاز جنسی زوجین، تعیین حقوق و تکالیف اختصاصی برای زوجین در حیطة امر جنسی، انحصار رابطه زناشویی میان زوجین، رعایت حدود پوشش در مقابل غیر محارم و جرم‌انگاری ارضای جنسی به صورت نامشروع و تعیین مجازات برای آن، همگی حاکی از سازوکار جامع اسلام در تأمین صحیح‌ترین گزینه جنسی و جهت‌بخشی به آن و وجود نظام خاص جنسی در اسلام است (ثمینی، ۱۳۹۸).

توجه به حق جنسی زوجه و مسائل مربوط به آن در فقه امامیه بحث و بررسی شده و این حق به رسمیت شناخته شده است. (ابن بابویه القمی، ۱۴۱۳هـ.ق؛ الطوسی، ۱۳۸۷) مهمترین دلیل توازن در حقوق جنسی زوجین، قاعده لزوم به معاشرت معروف است. تمام آیات و روایاتی که دلالت بر این قاعده دارند به حق جنسی زوجه نیز نظر دارند. آیه ۲۲۸ سوره بقره ناظر به این موضوع بوده و به موجب این قاعده، جمیع حقوق زوجه در توازن متعارف با حقوق زوج قرار دارد و آیه به روشنی دلالت دارد که اصل در حقوق و تکالیف زوجین بر آن است که به طور متعارف متقابل باشد (نوبهار، ۱۳۹۷). همچنین تحقق آیه «و عاشروهنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) منوط به رعایت تمام وظایف واجب و مستحب مردان در برابر زنان است (قریشی، ۱۳۸۶) که داشتن روابط جنسی به طور متعارف از لوازم آن شمرده می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۲). معاشرت به معروفي که دستور قرآن است، اقتضا دارد که نزدیکی به گونه‌ای باشد که زوجین از آن لذت ببرند (طوسی، ۱۳۸۷). حق قسم (قسمت کردن شب‌ها برای بیتوته نزد زوجات) (نجفی، ۱۴۲۰هـ.ق؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸هـ.ق؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱هـ.ق)، حق موافقه یا حق همبستری زوجین (حلی، ۱۴۱۳هـ.ق، جبعی، ۱۴۲۵هـ.ق) حق عزل (خویی، ۱۴۱۸هـ.ق) حق وطی و حق حبس (شریعتی، ۱۳۹۶) از محورهای مهم حقوق اختصاصی جنسی زنان و مورد توجه فقهاست.

۲-۶. تعامل اخلاق و حقوق

ارتباط بین حقوق و اخلاق از مباحث مهم فلسفه حقوق است. اصول اخلاقی و حقوقی هر دو بر رفتار افراد حکومت می‌کنند که بسیاری از آنها در قالب باید‌ها و نبایدها تبلور می‌یابند. برخی مسائل بین اخلاق و حقوق وجود دارد که از جهتی اخلاقی و از جهتی حقوقی محسوب می‌شوند. برای مثال وجوب حرمت غضب و ادای امانت از نظر تأثیر بر تکامل روحی انسان در حیطه اخلاق و از نظر برخورداری از ضمانت اجرا و حمایت‌های قانونی، جزء حقوق به‌شمار می‌آیند. (حکمت‌نیا، ۱۳۹۶) وجود تفاوت‌های اساسی بین این دو باعث شکل‌گیری نظام‌های متفاوت از هم شده است.

مکتب اخلاقی حقوق از جمله مکاتب مهم فلسفه اخلاق در اروپاست که معتقد است فقدان قواعد اخلاقی در قوانین هر کشور، حقوق را به باید و نبایدهای بی‌روح مبدل می‌کند که در طولانی‌مدت، بی‌اعتمادی جامعه را به دنبال دارد. منتقدان تعامل حداکثری حقوق و اخلاق، این امر را موجب نابودی یا محدودیت بیش از حد آزادی‌های فردی دانسته و اخلاقی کردن حداکثری قواعد حقوقی را بی‌توجهی به تضاد میان ماهیت قواعد حقوقی و اخلاقی می‌دانند. (معلی، ۱۳۹۵) دیدگاه مبتنی بر پیوند عمیق اخلاق و حقوق که بر منبعث شدن حقوق از اخلاق تأکید دارد. ژرژ رپیر^۱ حقوق‌دان فرانسوی بر وجود این رابطه اصرار داشته و بر نقش پررنگ اخلاق تأکید می‌کند. رپیر معتقد است که جریان اخلاق در حقوق چنان جریان خون در بدن است. وی حقوق را نماینده اخلاق می‌داند که علاوه بر ساختن قواعد حقوقی در تفسیر و اجرای آن نیز مؤثر است. وی معتقد است بین قاعده اخلاقی و حقوقی از نظر ذات، مقصود و مصداق تفاوتی نیست؛ زیرا حقوق برای فعلیت دادن به عدالت است و عدالت مفهومی اخلاقی است (رپیر، ۱۹۵۸).

برخی معتقدند که اخلاق، عرصه دخالت حقوقی نیست. تومازیوس^۲ در قرن هجده نظریه جداسازی اخلاق و قانون را مطرح کرد. او بر این باور بود که اخلاق ناظر به وجدان فرد است و حقوق بر روابط اجتماعی توجه دارد. کانت نیز در کتاب نقد عقل

۱. Georges Ripert
۲. Thomasius

عملی بر این تفکیک تأکید می‌کند. (برنارد^۱، ۱۹۷۱) عده‌ای نیز با تفکیک اخلاق عمومی^۲ از اخلاق خصوصی^۳ معتقدند که حقوق فقط در قواعد اخلاقی دارای جنبه عمومی امکان دخالت دارد و اخلاق خصوصی را به دلیل آنکه نقض آن زیانی به جامعه نخواهد رساند خارج از حیطه دخالت حقوقی می‌دانند.

در نظام‌های حقوقی دینی، ارتباط بین اخلاق و حقوق بیشتر است و بسیاری از قواعد حقوقی مثل وفای به عهد، اخلاقی نیز هستند. عرصه حقوق، عرصه حق و تکلیف است و این مهم در اخلاق و احکام اسلامی نیز مشاهده می‌شود. بنابراین، اصول اخلاقی مانند عدالت، کرامت انسانی و آزادی، اساس تشریح قوانین اسلامی به‌شمار می‌آیند. این مقولات ثابت در قانون‌گذاری که امری متغیر است ملاک قرار می‌گیرد. در نظام حقوقی خانواده در اسلام نیز ارتباط اخلاق و حقوق بسیار عمیق بوده و تحقق اهداف خانواده مبتنی بر ارزش‌های اخلاق‌محور، هدف شارع به‌شمار می‌آید، اما نکته قابل تأمل، چگونگی تبدیل اصول اخلاقی به قوانین کارآمد است و این از چالش‌های مهم تعامل حقوق و اخلاق محسوب می‌شود. توصیه به حسن معاشرت در اخلاق اسلامی به‌طور عینی در قانون منعکس شده است (ماده ۱۱۰۳ ق.م)، اما تعیین مصادیق آن و ضمانت اجرای هر یک از مصداق‌ها به‌طور دقیق مشخص نشده است. در حیطه حقوق جنسی زوجه، این سؤال مهم مطرح می‌شود که آیا تأمین آن از مصادیق حسن معاشرت است و یا در صورت خلل در این حقوق، قانون‌گذار با چه معیاری برای زوج الزام ایجاد می‌کند. اگرچه اخلاق از نظر دایره شمول، مبانی و ضمانت اجرا از حقوق مجزا می‌شود، اما به‌کلی نمی‌تواند به نتایج خارجی اعمال انسانی توجه نداشته باشد و حقوق هم نمی‌تواند بدون توجه به مبانی اخلاقی به تدوین قوانین موضوعه مؤثر پردازد. بنیاد نکاح و مقدمات آن بر ارزش‌ها و اصول اخلاقی است. به‌عبارت دیگر، نظام حقوقی خانواده در اسلام، روساختار و بر مبنای بنیان‌های اخلاقی است و این مهم در کتب فقهی و در باب نکاح قابل مشاهده است (جبعی عاملی، ۱۴۱۰هـ.ق).

۱. Frederick, M. B.

۲. Puplic morality

۳. Positive morality

۲-۷. اصول کلان اخلاقی در ساحت روابط جنسی زوجین

۲-۷-۱. اصل کرامت

کرامت به معنای منزلت، بزرگی و نزاهت آمده است و کریم کسی است که جامع تمام انواع خیر، شرف و فضائل باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ.ق) کرامت انسانی به عنوان اصلی بنیادین در حقوق بشر، محل تأمل و توجه اندیشمندان است. قرآن کریم ساختار وجودی انسان را بهترین ساختار وجودی دستگاه آفرینش می‌داند (ر.ک.، تین: ۴). قرآن همه مواهب زمین را انسان آفریده و او را به عنوان نماینده و جانشین خود در زمین قرار داده است (ر.ک.، بقره: ۲۳۰). از همین روی در بین تمام آفریده‌های خود انسان را مقام ویژه‌ای بخشیده است (ر.ک.، اسراء: ۷۰). برخورداری از روح الهی (ر.ک.، حجر: ۲۹)، خلقت انسان در بهترین صورت (ر.ک.، مؤمنون: ۱۴)، اعطای قوه تعقل و اندیشه به انسان (ر.ک.، بقره: ۳۱؛ علق: ۵) و اصل عدم کراهت در دین همگی بر کرامت ذاتی انسان دلالت دارند. علاوه بر آیات شریفه فوق، آیه اختصاصی کرامت ذاتی انسان در قرآن قابل تأمل است. علامه طباطبایی در تفسیر مفهوم کرامت و تبیین حیطة شمول‌پذیری آن در انسان‌ها می‌فرماید:

آیه هفتاد سوره اسراء ناظر به تمام انسان‌ها، فارغ از فضیلت و قرب روحی ویژه است و تمام نوع انسان اعم از کافران، فاسقان و مشرکان را نیز شامل می‌شود؛ زیرا در غیر این صورت، مفاهیم امتنان و عتاب تحقق نمی‌یابد. بنابراین، مقصود از تکریم در «و لقد کرمنا بنی آدم» تخصیص داده شدن موضوعی به توجه و شرافت یافتن به آن از طریق چیزهایی است که به او اختصاص دارد و در غیر آن یافت نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۶)

آموزه‌های دینی در مادی‌ترین نیازهای انسان نیز حفظ کرامت انسانی را مورد توجه قرار داده است. اسلام به روشنی وظایف مرد و زن را در تأمین نیازهای جنسی در زندگی زناشویی بیان می‌کند. پرهیز از جماع و محدود بودن استمتاع جنسی در دوران حیض (ر.ک.، بقره: ۲۲۱)، منع از معلق نگاه داشتن زن (ر.ک.، نساء: ۱۲۹)، توجه به نیازهای روانی و عاطفی و آرامش‌بخشی در نکاح و اصل مودت (ر.ک.، روم: ۲۱)، حفظ فروج (ر.ک.، نور: ۳۰) و توجه به کرامت زن و منع از زنا (ر.ک.، اسراء: ۳۲)، آیات لعان (ر.ک.، نور: ۶) و معاشرت به معروف (ر.ک.، نساء: ۱۹) را می‌توان در راستای

اصل کرامت زنان تفسیر کرد. در سیره معصومین نیز توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی طرفین و به‌ویژه زنان در روابط جنسی تأکید شده که نشان‌دهنده نگاه کرامت محور است. در مورد چرخه جنسی و نحوه عملکرد زوجین، معاشقه در مرحله انگیزش و تحریک جنسی یکدیگر از مقدمات مهم ارتباط است. توصیه معصوم بر آماده‌سازی زن برای تحریک شهوت و ایجاد میل در او قابل توجه است. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸هـ.ق) نهی از آمیزش چون پرندگان و بدون وقفه و درنگ، توجه به اولین رابطه زوجین در شب زفاف و تأمین امنیت و سلامت روانی زن، پرهیز از نزدیکی قبل از ملاعبه و آماده‌سازی (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ.ق) و نهی از جماع در ایام حیض (ر.ک.، بقره: ۲۲۱) همگی بر توجه به ساختار روحی و جسمی زن و توجه به پیش‌نیازهای رابطه با او دلالت دارد.

۲-۷-۲. اصل عدالت

عدالت برگرفته از کلمه عدل (فراهدی، ۱۴۲۵هـ.ق) و به معانی راست و موزون بودن (ابن منظور، بی‌تا) و برابری و مساوات (طریحی، ۱۴۰۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ.ق) و نقیض ظلم (فیومی، ۱۴۱۸هـ.ق) آمده است. امام خمینی (ره) در تعریف عدالت می‌فرماید:

عدالت عبارت است از: حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضایل اخلاقی است. عدالت مطلقه، تمام فضایل باطنی و ظاهری و روحی و قلبی و تنفسی و جسمی است؛ زیرا عدالت مطلق، مستقیم به همه معانی‌ای است که در مظهریت اسما و صفات تبلور یافته است و این فقط مختص به انسان کامل است. از منظر اخلاق نفسانی، عدالت به معنای اعتدال قوای سه‌گانه یعنی، قوه شیطانیه، شهویه و غضبیه است و احکام شرعی که قوانین اسلام به‌شمار می‌آیند ابزاری برای گسترش عدالت و اجرای حکومت می‌باشند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۴)

استاد مطهری نیز چهار معنا برای عدل بیان کرده است: موزون بودن و تعادل که در این معنا عدل در مقابل بی‌تناسبی می‌باشد و نه ظلم؛ رعایت حقوق افراد و اعطاء کردن حق به ذی‌حق (عدل در برابر ظلم)؛ تساوی و نفی هرگونه تبعیض و رعایت قابلیت‌ها

در افاضه وجود و عدم امتناع از افاضه و رحمت الهی به آنچه امکان کمال یا وجود دارد (علم کلام) (مطهری، ۱۳۸۹) که معنای دوم بیش از سایر معانی ملاک پژوهش است.

عدالت بر پایه حقوق واقعی و فطری بنا نهاده شده است و ملاک و مصداق آن را سنت نبوی و شریعت تعیین می‌کند. در این صورت اگرچه امکان دارد در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، درک دینی انسان از نظام ارزشی موجود تغییر و تحول یابد، ولی از آنجاکه عدالت مبتنی بر اصول کلی شریعت است، پس مطلق و ثابت می‌باشد.

(مطهری، ۱۳۸۹) با بررسی گزاره‌های اخلاقی قرآن به‌ویژه در حوزه خانواده، مشاهده می‌شود که بسیاری از احکام و گاه مجموعه آنها، اصل بودن عدالت را نتیجه می‌دهد. حدود و ثغور تمکین، یکی از مباحث چالش‌برانگیز فقه است و برخی تمکین خاص را مطلق می‌دانند. قائلین به این نظر با استناد به آیه ۲۲۳ سوره بقره و تأکید بر کاربرد عبارت «آئی» در زمان و مکان، حق استمتاع مطلق از زوجه را به مرد می‌دهند (خوبی، ۱۳۷۷).

همچنین وجود روایاتی در تفسیر آیه فوق دال بر اطلاق بر نزدیکی از نظر زمان و کیفیت، مستند جواز قرار می‌گیرد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، باب ۷۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، باب ۷۳) قائلین به اطلاق در تمکین خاص با استناد به روایاتی که حاکی از وجوب اطاعت از شوهر در تأمین درخواست جنسی است زوجه را ملزم به اطاعت بی‌قید و شرط می‌دانند. روایت مشهور: «لا تمنعه نفسها وان كانت علی ظهر قتب» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق) و تأکید بر عرضه خود هر صبح و شام به همسر، منع از طولانی کردن نماز با هدف ادا نکردن حقوق جنسی همسر (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، باب ۱۱۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، باب ۱۲۶) از جمله آنهاست. بنابراین، مستند به همه این دلایل، زنان را مکلف به اطاعت تام از شوهر دانسته و در پاره‌ای از موارد چون رابطه از دبر، جواز را احراز کرده است. عموم مفسرین و فقها، قائل به این نظر هستند که عبارت «الحرث» در آیه مختص به موضع نسل داشته و نه غیر از آن. بنابراین، عمومیت از آن مستفاد نمی‌شود و منظور از آیه، توسعه در موضوع آمیزش از نظر زمان و مکان آن است نه از نظر اعضا و اندام زنان (السید المرتضی، بی‌تا؛ طباطبایی، ۱۳۷۶). بنابراین، آیه در پی تجویز حق استمتاع مطلق برای زوج نیست و پس از ایام حیض در مقام رفع حظر است. روایات مستند به تفسیر آیات نیز جدای از بررسی سندی با یکدیگر معارض هستند؛ زیرا در یکی اطلاق زمانی تأیید شده، اما نحوه استمتاع محدود و وطی دبر منع

شده است و در روایت مربوط به کیفیت، وطی دبر را جایز دانسته است. بررسی رجالی روایات از جمله روایت لزوم ادای حق شوهر حتی در پشت شتر، ضعف سندی و فقدان اعتبار رجالی را نشان می‌دهد و جزو احادیث مرسل است. همچنین در این روایت‌ها اطلاق دیده نمی‌شود و نصوصی که بر وجوب اطاعت زن از شوهر در حقوق جنسی دلالت دارد خالی از اجمال نیست (مؤمن، ۱۳۹۲).

مبانی عدالت‌محور احکام تشریعی و تأکید بر معاشرت به معروف در روابط زوجین و حرمت ایذاء مسلم، مانع از پذیرش استمتاع مطلق می‌شود به‌ویژه اینکه علم، آسیب‌رسانی جسمی و روحی را در نتیجه این جواز ثابت کرده است. (میرکمالی، ۱۳۹۶) شاید بتوان از آیه ۱۲۹ سوره نساء و تأکید بر عدالت، تأمین حق جنسی زنان را برداشت کرد؛ زیرا معلق نگه‌داشتن زنان با تأمین حق عاطفی و جنسی آنان منافات دارد. بر همین مبنا حق مواجهه را نیز با توجه به گزاره‌های عدالت‌محور مورد نقد و بر وجوب تأمین حق جنسی زن در کمتر از چهار ماه حکم کرد. حق زوجه برای داشتن آمیزش جنسی دست‌کم در هر چهار ماه یک‌بار توسط شوهر را مواجهه می‌گویند. هرچند از نظر مشهور فقهای امامیه، ارضای جنسی زوجه پیش از چهار ماه واجب نیست (نجفی، ۱۴۲۰هـ.ق؛ خمینی، ۱۳۸۴؛ جبعی عاملی، ۱۴۲۵هـ.ق)، تأمین نکردن نیازهای جنسی زن مخالف با عدالت است. تأمین نیازهای جنسی، مستند به شمول‌پذیری عنوان عرض نسبت به زوجه و وجوب شرعی حفظ آبروست و برای حفظ زن از ارتکاب گناه بر عهده همسر وی و موجب تکلیف شرعی است. تأویل دیگر از این مسئله این است که وجوب چهار ماه یک‌بار از آیه ایلاء گرفته شده است. بنابراین، قابل سریان به غیر موارد ایلاء نیست و نقطه‌نهایی یعنی، مجوز جدایی و طلاق چهار ماه است؛ یعنی اگر مرد چهار ماه رابطه عاطفی و جنسی برقرار نکرد از موارد حرج زن بوده و مرد ملزم به طلاق است نه اینکه حق جنسی زن چهار ماه یک‌بار باشد.

برخی از فقها در تبیین حق مواجهه در صورت شرایط خاصی چون گرم‌مزاج بودن زن و تمایل و کثرت شهوت به آمیزش جنسی و جوان بودن که وی را دچار عسر و حرج کرده و در معرض ارتکاب گناه قرار دهد، قبل از اتمام چهار ماه شوهر را احتیاطاً (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ.ق؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶هـ.ق) و وجوباً (خویی، ۱۴۱۸هـ.ق) مکلف به ارضا یا طلاق زوجه دانسته‌اند. برخی از فقها شرط ارتباط گناه را ملاک قرار

نداده‌اند و صرف ایجاد عسر و حرج جنسی را در ایجاد الزام برای زوج مؤثر می‌دانند (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹هـ.ق). در بین فقهای معاصر، نظریه ارضای جنسی زوج در زمان درخواست بدون الصاق به شرطی مشاهده می‌شود (مظاهری، ۱۳۹۱، ۱۲/۶). این نظرات، تأمین حق آمیزش زوج قبل از چهارماه را به دلیل عمومیت قاعده حرج ضروری می‌دانند. بنابراین، عدالت اقتضای تحقق این حقوق را دارد و در غیر آن، مستند به لاضرر و لاجرح تکلیف زن در پاره‌ای موارد ساقط شده و ناشزه نیز نیست.

۲-۷-۳. اصل رعایت حریم خصوصی

حریم به معنای منع (طریحی، ۱۴۱۶هـ.ق) و چیزی است که هتک آن جایز نیست. (جوهری، ۱۴۰۷هـ.ق) تعاریف مختلفی از این اصل وجود دارد که برخی عبارتند از: محدوده معنوی و مادی متعلق به هر فرد که دیگران باید از مداخله غیر معقول و بدون اذن در آن اجتناب کنند (غلامی، ۱۳۹۳) و قلمرویی از زندگی یک فرد که او عرفاً یا نوعاً و یا با اعلان قبلی انتظار دارد سایرین بدون رضایت او به اطلاعات مربوط به آن قلمرو امکان دسترسی نداشته باشند (انصاری، ۱۳۸۶). مصادیق حریم خصوصی در خانواده شامل حریم خلوت، حریم اطلاعات و ارتباطات، حریم جسمانی و حریم شخصیت است (نقیبی، ۱۳۸۹). روابط میان اعضای خانواده شامل روابط زن و شوهر با یکدیگر و روابط والدین و فرزندان است. این دو در سطح روابط از این نظر مورد گفت‌وگوست که چه میزان از آن در حریم خصوصی قرار می‌گیرد به گونه‌ای که شخص در آن آزاد و خودمختار است و از تعرض دیگران محفوظ می‌ماند. مصادیق حق بر حریم خصوصی شامل حق بر تنها ماندن و تفرد و خلوت، حق محرمانه نگه‌داشتن برخی امور، حق کنترل اطلاعات شخصی و حق محدود شدن دسترسی به انسان است. قرآن کریم رعایت حریم خصوصی را به رسمیت می‌شناسد (ر.ک.، نور: ۲۷).

حریم جسمانی هر فردی، حرمت دارد و این امر مانع تفتیش بدنی از سوی دیگران است. مواجهه زوجین در ساحت روابط جنسی نیز از مصادیق حریم خصوصی است که سایر اعضای خانواده مکلف به حفظ این حریم و اجتناب از ورود به آن شده‌اند. مؤلفه‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی در تشخیص مصادیق حریم خصوصی بسیار اثرگذار است. این مقوله به معیارهای شرعی و عرفی نیاز دارد. اعضای خانواده برای

دستیابی به احساس و آرامش فکری و روحی به مکان و حریم خلوت نیاز دارند. (نقیبی، ۱۳۸۹) براین اساس، حق اشخاص در مصون ماندن از تعرض به حریم جسمانی اهمیت می‌یابد و زوج نمی‌تواند به‌واسطه تمکین، زوجه را وسیله اعمال غیرعقلایی و ضرری قرار دهد و باعث خشونت و آسیب جسمانی او شود. بنابراین، حکم وطی از دبر برای جلوگیری از آسیب به زن، قابل تأمل و نیازمند بازنگری است. علاوه بر منع از اضرار به زوجه، پرهیز از ایجاد شرایط حرجی نیز ضرورت دارد که می‌تواند اشکالی از خشونت، تقاضاهای نشأت‌گرفته از هرزه‌نگاری و... را شامل شود. همچنین در حیطة روابط جنسی زوجین، یکی از موضوع‌های مهم، مقوله فرزندآوری است. این تصمیم به‌واسطه رعایت حریم خصوصی زوجه باید با توافق طرفین و رضایت باشد.

داشتن حقوق جنسی به زوجه امکان استیفا می‌دهد. از این رو، حق تظلم‌خواهی او در صورت تعرض یا منع در استیفاء آن توسط زوج در فقه و قانون پیش‌بینی شده است. (قانون مدنی ایران؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴) نکته قابل تأمل در این مسئله حفظ اسرار زوجه در پروسه دادخواهی توسط محاکم و افراد دخیل در پرونده است تا از افشای آن و نقض حریم خصوصی زوجه جلوگیری شود. در تعالیم اخلاقی و حقوقی اسلام از جمله آیه ۱۱ سوره حجرات بر منع از تجسس در امور و احوال دیگران تأکید شده است. این منع از تجسس شامل همه مسائل حریم خصوصی است که از آن جمله حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «از گمان و ظن بپرهیزید؛ زیرا گمان بد، سخن را به دروغ می‌کشد» (مجلسی، ۱۴۳۳، ۱۹۵/۲). در حیطة روابط خانوادگی، پرهیز از تجسس در امور شخصی همسر ضرورت دارد و این امر برای استحکام خانواده است. باید توجه داشت که این اصل منافاتی با ریاست مرد و مسئولیت وی در حفظ خانواده ندارد و زوج در حیطة شرعی، حق تحفظ دارد. همچنین برای حفظ حقوق جنسی زوجین توسط سایرین، خداوند در آیه ۵۸ سوره نور دستور می‌دهد غلامان و کودکان نابالغ قبل از نماز صبح و نیمه‌روز که جامه‌های خود را برای استراحت از تن بیرون می‌آورند و پس از نماز عشا برای ورود به حریم زوجین اذن بگیرند. صاحب جواهر به نقل از مجمع البیان در تفسیر آیه مزبور می‌نویسد: لزوم اذن در اوقات سه‌گانه اختصاص به اطفال دارد. بنابراین، به‌مجرد اینکه طفل از طفولیت خارج و بالغ می‌شود باید در تمام اوقات مانند افراد بزرگسال

اذن بگیرد و لزوم اذن در تمام اوقات از اموری است که مردم از آن قدرت دارند و در نزد آنها مانند شریعت منسوخ است. (نجفی، ۱۴۲۰هـ.ق)
منع از تجسس و گمان بد، حفظ اسرار زناشویی و رعایت مصادیق حریم شخصی برای حفظ سلامت جنسی و عاطفی ضرورت دارد.

۲-۷-۴. اصل آزادی

معنای آزادی، داشتن اختیار است در مقابل جبر. (عطایی اصفهانی، ۱۳۷۸) ظهور کامل آزادی در عزم و اراده و تسلط کامل در افعال است. مفهوم سیاسی و اجتماعی آن یعنی، قدرت بر تصرف تا وقتی بر دیگران ضرر وارد نکند یا عملی که به زیان دیگران تمام می‌شود، انجام ندهد. انسان آزاد آفریده شده است و نباید برده و اسیر دیگران باشد. او در مقابل هیچ کس جز آفریننده که حق حیات را به او عطا کرده است نباید بندگی کند. عبودیت و بندگی او فقط برای خداوند که حق بالذات است و شایسته انسانیت نشئت گرفته از فطرت اوست، سزاوار است (جوادی آملی، ۱۳۹۰). آزادی تشریحی نیز حق طبیعی و مسلم بشر است که دیگران حق تعرض به آن را ندارند؛ اگرچه در مواردی همچون عدم تعرض به مال، آبرو و جان افراد و رعایت حقوق دیگران برای آزادی بیان و عمل، چارچوب‌های عقلی و شرعی محدودکننده تعیین شده است.

انسان در انجام مکروهات، مستحبات و مباحات و اعمال سلیقه‌های شخصی تا وقتی به حقوق سایر انسان‌ها و حق خداوند تعرض و تعدی نکند از نظر قرآن، آزادی در عمل دارد. خداوند متعال بر مبنای حقیقت وجودی انسان (طبیعت و فطرت، سقوط و صعود) علاوه بر اعطای آزادی تکوینی به بشر، بر آزادی تشریحی او نیز مهر تأیید زده است تا در پرتو آن، انسان قدرت بر ترمیم کاستی‌ها و ایجاد مصونیت از آسیب‌های ناشی از کژی‌های طبیعت را در خود بیابد و با شناخت عمیق و آزادانه از فطرت خویش به مرتبه خلافت الهی و کارگزاری خداوند دست یابد. دین مبین اسلام انسان را به واسطه قابلیت‌ها و صلاحیت‌های ویژه، واجد شایستگی و بهره‌مندی از موهبت آزادی می‌داند. بر همین اساس، یکی از اهداف بعثت پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم تحقق آزادی بیان شده است (ر.ک.، اعراف: ۱۵۷). آیات موجد امر و نهی، ابتلا و آزمایش (ر.ک.، کهف: ۷)، تبشیر و تنذیر (ر.ک.، بقره: ۲۱۳)، میثاق گرفتن از انسان (ر.ک.، احزاب: ۷) در قرآن

دلالت بر مختار بودن انسان دارد؛ زیرا این نوع از خطابات فقط در مورد مخاطب مختار امکان پذیر است (طباطبایی، ۱۳۷۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲؛ مستشاری، ۱۳۹۳).

اولین ثمره عملی جریان اصل آزادی در روابط زوجین، حق انتخاب همسر است که اختیار زوجه ضروری و نکاح فضولی، غیر نافذ شناخته می شود. بر مبنای این اصل، اجبار دختران به نکاح مجاز نیست و همسو با اصل کرامت، حق تصمیم گیری آزادانه ضرورت می یابد. زوجین در محیط خانواده در چارچوب وظایف ذاتی خانواده تکالیفی دارند که الحاق به این نهاد را نیز با اختیار پذیرفته اند. همچنین بر مبنای اصل آزادی مسئولانه، ضرر و تکلیف مالایطاق بر زوجه در تمکین خاص تحمیل نشده است و بر مبنای حق بر بدن، زن می تواند مانع آسیب و اعمال غیرمعارف شود. بنابراین، مبنای آزادی زن، ایجاد هر نوع مانعی است که باعث ضرر به او در خارج از چارچوب شرعی شود. به همین دلیل، دیدگاه مبتنی بر مالکیت بر بضع توسط زوج مردود است؛ زیرا با عنایت به حریت زوجه و عدم تملیک منفعت، مرد صرفاً حق انتفاع از همسر در تمتعات جنسی را دارد و مالک بضع او به معنی رحم و فرج زن نمی شود، پس نمی تواند با استناد به مالکیت بر بضع زن، آزادی او را تحت الشعاع قرار داده و اقدام به ایذاء و اضرار او کند.

باید توجه داشت که حق انتفاع با تملیک منفعت تفاوت دارد. مالکیت منفعت، حق کاملی است که امتیازهای مالکیت را دارد حال آنکه در حق انتفاع، صاحب آن فقط از انتفاع و استماع بهره مند است. (قانون مدنی، ماده ۶۰) در بین فقهای معاصر، استاد جوادی آملی به طور یقین، بضع را از سنخ ملک عین که ملک طلق شوهر باشد، خارج دانسته و می گوید:

این امر بین حق الناس و حق الله دایر است و تلفیقی از این دو می باشد. ناموس زن حق الله است که به عنوان امانت در اختیار اوست. بنابراین، نه تنها خود او بلکه زوج نیز حق ندارد فراتر از جوازات شرعی نسبت به آن تعدی کند. (مظاهری، ۱۳۹۱)

براین اساس، اصل آزادی در تأملات اخلاقی و حقوقی از این نظر بنیادین است که اصل اولی حاکم بر حیات انسانی و حاکمیت تام اراده است؛ یعنی اصلی که در ساحت حقوق و تعاملات انسانی بر مبنای ضرورت های مربوط به تضارب حقوق و آزادی ها، تعدیل و تحدید می شود. بنابراین، در هر ساحتی از تعاملات حقوقی و انسانی، تبیین

تام میزان ضرورت تحدید و یا تعدیل ناظر بر آزادی بنیادین است. حق‌های انسانی در ساحت مشروعیت‌های قانونی و شرعی از اطلاق برخوردارند و محدودیت‌پذیر نیستند، پس زن در برخورداری از حقوق جنسی خود همچون سایر حقوق، محدود به حدودی به‌جز حدود قانونی نیست. فقط محدودیت‌های قانونی معقول که تحدیدکننده این حق‌ها در تعارض با حقوق دیگران هستند، قابل پذیرش است. از این‌رو، تعیین حداکثر زمان رابطه به چهار ماه یک‌بار، بی‌پاسخ گذاشتن این نیاز و محدودیت تام آن است.

این محدودیت‌های حداکثری با اصل آزادی ناسازگار است. محدودیت‌های حداکثری در رابطه با حقوق دیگران قابل پذیرش است، اما محدودیت‌های حداکثری که به تعطیلی این حقوق و یا نادیده انگاشتن آنها یا به منع کردن انسان از استیفای آن حقوق بیانجامد به لحاظ اصل آزادی و برخورداری انسان از حقوق در تعارض است و نیازمند تأمل است. به عبارت دیگر حقوق و آزادی‌ها قرین هم به‌کار می‌روند و از نظر معناسناختی مکمل یکدیگر هستند. انسان برخوردار از حقوق باید آزادی داشته باشد تا تمتع از آن حقوق معنا یابد. اگر فقط تمتع باشد، اما آزادی در استیفا لحاظ نشده باشد به معنای منتفی شدن آن حقوق است. محدودیت‌های حداکثری هر چهار ماه یک‌بار به معنای نادیده گرفتن، محدود کردن و مسدود کردن هر نوع راه در استیفای از این حقوق است. بنابراین، آزادی معنا نمی‌یابد. اگر آزادی در کنار حقوق نباشد برخورداری از حق‌های ثابت انسانی معنا ندارد. علاوه بر این، اصل آزادی مستلزم اصل عدم ولایت در ساحت روابط زوجین و در روابط والدین محدود به حدود شرعی است. بدین‌سان آزادی در این مفهوم، انجام تکالیف انسانی و استیفای حقوق است. امری که حتی اختیارات زوج را در تمکین و اذن خروج محدود به عدم تراحم با انجام تکالیف الهی و انسانی زوجه و شرایط تمتع از حقوق انسانی می‌کند.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های مهم فقهای امروز پاسخ به مسائل نوپدید و حقوق بشری است. اجتهاد شیعی، چارچوب و روش خاص خود را دارد و پویایی و استمرار در ذات آن نهفته است. هدف خداوند از قانون‌گذاری و تشریح، سامان بخشیدن به زندگی مادی و معنوی انسان‌هاست تا مسیر رشد و تعالی را مطلوب‌تر طی کند. فقیه باید تلاش کند

معنای واقعی خطاب‌ها که کاشف احکام الهی است را به‌دقت دریابد و در مقام عمل بدان عینیت بخشد. از این‌رو، ضرورت دارد عالمان با اجتهاد مستمر، چالش‌های نوین را دریابند و شیوه‌های استنباط را متناسب با نیازها و بایسته‌های فقه، مذهب و تبیین کنند. فقهای شیعه با وجود بهره‌مندی از دیدگاه‌های علمی پیشین خود نباید تحت تأثیر عظمت و شهرت علمی فقها قرار بگیرند و به این علت از تفکر اجتهادی متناسب با نیازهای جامعه باز بمانند. (محقق داماد، ۱۳۹۷) احکام شرعی در فرایند اجتهاد از نصوص دینی استنباط می‌شوند. در نظام تقنینی ایران مطابق قانون اساسی، قوانین بر پایه احکام شرعی تدوین می‌شوند. روش متداول در استنباط احکام شرعی، استناد به نصوص و بی‌اعتنایی به مقاصد شرعی و ارزش‌های بنیادین آن است. این نص‌گرایی می‌تواند با اصل خانواده‌محوری در تعارض باشد. بازنگری در احکام فقهی در صلاحیت فقهای خبره است و این بازنگری در حوزه فقه باعث بازنگری در قوانین می‌شود (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷).

ویژگی‌های خاص نهاد خانواده و داشتن جنبه معنوی و عبادی، فقیه را مکلف می‌کند با لحاظ این خصیصه‌ها دست به تدوین قواعد و احکام شرعی بزند. اصل دهم قانون اساسی با عنایت به بنیادی بودن واحد خانواده در جامعه اسلامی، قانون‌گذار را به تدوین همه قوانین و مقررات بر مبنای حقوق و اخلاق اسلامی مکلف می‌کند تا در پرتو آن، قداست و استواری خانواده محقق شود. اخلاق امری زیربنایی و اساس تدوین قوانین حقوقی است و خط‌مشی این قواعد توسط ضابطه‌های اخلاقی تعیین می‌شود. این مهم در حقوق خانواده که بنای آن بر مودت است، اهمیت بیشتری دارد. در تعیین منابع تدوین قواعد حقوقی، اخلاق منبع مستقل نیست، اما به‌صورت ضمنی، لحاظ آن در تدوین احکام و سپس قوانین، ضروری شمرده می‌شود. ضروری است فقیه با دیدگاهی فراققه‌ی و با استفاده از اصول کلان اخلاقی-حقوقی به‌عنوان اصول پیشاتشریحی و بنیادین، احکام مرتبط با حقوق جنسی زوجه را مورد بازنگری و تغییر قرار دهد. رهبر انقلاب به‌عنوان فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط به این مهم اشاره کرده است و می‌گوید: «آنچه در فقه در مورد زنان مطرح شده است سخن آخر نیست و ممکن است با تحقیقاتی که در مورد خاصی صورت می‌گیرد آن مورد تغییر کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

آنچه در رابطه اخلاق و حقوق در ساحت خانواده قابل تصور است تدوین احکام بر پایه اخلاق و ایجاد ضمانت اجرای آن توسط حقوق است. تبیین اصول اخلاقی در حوزه روابط خاص زناشویی به‌دلیل حل تعارض ضرورت دارد. روابط جنسی زوجین

به دلیل ملاحظات عرفی و شرعی، نیازمند روش و ساختار ویژه‌ای است تا با حفظ حریم، بحث علمی پیرامون آن را امکان‌پذیر کند. همچنین حق استمتاع زوجه، مستند به آیات و روایات و آرای فقها در نظام حقوقی اسلام و نظام خانواده استخراج می‌شود. توجه شارع به حق جنسی زوجه و تأمین آن، نقش و اهمیت روابط جنسی زوجین و تأثیر آن بر کل زندگی زناشویی و ایجاد رضایت یا نارضایتی از آن غیر قابل انکار است. حق جنسی زوجه مستند به آیه: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن و عاشرو هن بالمعروف» و حق قسم، حق وطی، عزل، مواقعه، حق حبس و توجه به نیازهای جسمی و روحی هنگام رابطه جنسی مستنبط از روایات استخراج شده است و ضروری است در پاره‌ای از موارد این حقوق از منظر اصول اخلاقی، دستخوش تحول قرار گیرد. بازنگری در حق وطی، وطی از دبر، تمکین بی‌قید و شرط، ترک زناشویی توسط زوج و... از جمله این موارد است.

اصول چهارگانه عدالت، کرامت، آزادی و حفظ حریم شخصی با ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر به صورت مجزا نیز قابلیت استفاده در تعارضات روابط زناشویی را دارد و از رهگذر اثر اصول اخلاقی بر حقوق می‌توان ضمانت اجرای آن را تضمین کرد. فقیه می‌تواند با لحاظ این اصول مشترک در استنباط احکام، حق دستیابی به حقوق جنسی زوجه را با رویکرد جدید شناسایی کند تا در پرتو آن، قانون تدوین و دستیابی به حقوق ضمانت شود و خلل در آن با سازوکارهای حقوقی و کیفری قابلیت پیگرد داشته باشد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۵). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: الهادی. تهران: پیام حق.
۱. ابن ادریس حلی، محمدبن منصور بن احمد (۱۴۱۰هـ.ق). السرائر. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 ۲. ابن بابویه القمی (شیخ صدوق)، علی بن حسین (۱۴۱۳هـ.ق). من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۳. ابن منظور الافریقی، محمدبن مکرم (۱۴۱۴هـ.ق). لسان العرب. بیروت: دارالحياء التراث العربی.
 ۴. احمدیه، مریم (۱۳۹۷). الزام زوج به رعایت حق جنسی زوجه. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۸۰، ۳۳-۵۰.
 ۵. ارسطو (۱۳۹۸). اخلاق نیکوماخوس. مترجم: لطفی، محمد حسن. تهران: طرح نو.
 ۶. اسدی، لیلا، و ذبیحی، عاطفه (۱۳۹۴). جایگاه و ضرورت اخلاق محوری در تقنین قوانین و مقررات مربوط به خانواده. نشریه پژوهش‌نامه اخلاق، ۲۷، ۱۴۱-۱۵۹.
 ۷. انصاری، باقر (۱۳۸۶). حقوق حریم خصوصی. تهران: سمت.

۸. بهرامی، لیلا، و توسلی، افسانه (۱۳۹۹). مطالعه کیفی تابوها در ناراضیاتی جنسی زنان متقاضی طلاق. نشریه پژوهش‌نامه زنان، ۳(۱۱)، ۶۹-۹۰.
۹. بهشتی، سعید (۱۳۸۹). تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۰. بیلر، سوسن، جهان‌بخشی، زهرا، جهانگیر، امیرحسین (۱۳۹۵). بررسی بدعملکردی جنسی و سلامت روان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان یایسه. نشریه پژوهش‌نامه زنان، ۷(۱۷)، ۱-۱۵.
۱۱. پورعبدالله، کبری (۱۳۹۳). حل تزاخم حقوق خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده. نشریه مطالعات راهبردی، ۶۶، ۸-۳۷.
۱۲. ثمنی، لیلا، و بهرامی، لیلا (۱۳۹۸). نظام حاکم بر بضع و منافع جنسی زنان در فقه امامیه. نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱، ۷-۲۷.
۱۳. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد (۱۴۲۵هـ.ق). مسالک الافهام الی تفتیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲). ترمینولوژی. تهران: گنج.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۴). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: اسراء.
۱۶. جوهری، ابونصر (۱۴۰۷هـ.ق). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۷. الحر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹هـ.ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۸. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۶). فلسفه نظام حقوق زن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. حلی، حسن‌بن یوسف (۱۴۱۱هـ.ق). تبصره المتعلمین فی احکام الدین. تهران: مؤسسه چاپ و نشر.
۲۰. حلی، حسن‌بن یوسف (۱۴۱۳هـ.ق). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸هـ.ق). موسوعه الامام الخویی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۲۲. دیرباز، عسگر، و اصلانی، محمد (۱۳۹۵). تحقیق انتقادی تعریف اخلاق از دیدگاه فلاسفه غربی معاصر. نشریه پژوهش‌های اخلاقی، ۳، ۸۳-۱۰۴.
۲۳. راسخ، محمد (۱۳۹۸). حق و مصلحت. تهران: نشر نی.
۲۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین‌بن محمد (۱۴۱۲هـ.ق). المفردات فی غریب القرآن. مصر: مکتبه و مطبعه مصطفی البالی الحلبی.
۲۵. رحیمی، شهربانو (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ناراضیاتی جنسی بر اختلافات زناشویی در مقایسه با سایر عوامل. پایان‌نامه ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۶. زمخشری، جارالله (۱۴۱۷هـ.ق). الفائق فی غریب الحدیث. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷. زهروی، رضا، و علیزاده، مهسا (۱۳۹۹). ظرفیت گسترده حقوق بشر امامیه برای حمایت از حقوق جنسی زوجه. نشریه بین‌المللی حقوق بشر، ۱، ۹۱-۱۱۸.
۲۸. شبیری زنجان، سید موسی (۱۴۱۹هـ.ق). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.

۲۹. شریعتی، الهام، و ولی حصارى، مرضیه (۱۳۹۶). حقوق جنسی زوجین در فقه و حقوق موضوعه. تهران: خرسندی.
۳۰. شریف، مرتضی (بی تا). رسائل الشریف المرتضی. قم: دارالقرآن الکریم.
۳۱. شعرافچی زاده، مرضیه، صادقی فسائی، سهیلا، آذری، هاجر، و میرخانی، عزت السادات (۱۳۹۹). تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی. نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۵۰، ۶۷-۹۲.
۳۲. صفایی، سیدحسین، و امامی، اسدالله (۱۳۹۲). مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.
۳۳. طباطبایی یزدی، علی (۱۴۱۸هـ.ق). العروه الوثقی. قم: حکیم‌الداوری.
۳۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶). میزان. مترجم: موسوی همدانی، محمدباقر. تهران: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
۳۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶). تفسیر میزان. تهران: امیرکبیر.
۳۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۱۶هـ.ق). مجمع البحرین و مطلع النیرین. محقق: حسینی، احمد. تهران: مرتضوی.
۳۷. طلایی زاده، فخری، و بختیارپور، سعید (۱۳۹۵). رابطه رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان زوجین. نشریه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، ۴۰، ۳۷-۴۶.
۳۸. الطوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن بن علی (۱۳۸۷). مبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۳۹. الطوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن بن علی (۱۴۱۷هـ.ق). الخلاف فی الفقه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۰. عطایی اصفهانی، م ع (۱۳۷۸). آزادی از دیدگاه اسلام. قم: عصر ظهور.
۴۱. غلامی، علی (۱۳۹۳). اطلاق یا تقیید حریم خصوصی و الزامات تحدید یا نقض آن. نشریه دانش انتظامی، ۱ (۱۶)، ۸۳-۱۰۴.
۴۲. فاضل لنگرانی، محمد (۱۴۲۱هـ.ق). النکاح (تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله). قم: مرکز فقهی ائمه الطهار.
۴۳. الفراهیدی، الخلیل بن احمد (۱۴۰۸هـ.ق). کتاب العین. بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات.
۴۴. فرجی‌ها، محمد، نوبهار، رحیم، شاه‌بیگی، ایمان (۱۳۹۸). از تحریم تا تجریم جنسی در روابط میان زوجین در پرتو نظریه تنظیم‌گری پاسخ‌گو. نشریه پژوهش‌نامه زنان، ۲۹ (۱۰)، ۴۷-۷۱.
۴۵. فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۷). تربیت جنسی (مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث). قم: دارالحدیث.
۴۶. الفیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۸هـ.ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. مصر: منشورات دارالرضی.
۴۷. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران. مشاهده شده در <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/> ۹۷۹۳۷
۴۸. قریشی، علی اکبر (۱۳۸۶). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. قنبرپور، بهنام (۱۳۹۸). بررسی گزاره‌های فقهی حقوقی متأثر از اخلاق در باب نکاح و طلاق. نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۵۶ (۱۵)، ۱۴۹-۱۶۴.
۵۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده). تهران: میزان.

۵۱. کاظمی، زهرا، و قاسمی، قاسم (۱۳۹۹). تجاوز جنسی در روابط زناشویی از منظر حقوق و اجتماع در ایران و انگلستان. نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۴۳(۱۶)، ۵۳-۸۷.
۵۲. کبیری، جعفر (۱۳۹۵). مفهوم حق، دو پارادایم فقه مدنی و دموکراسی غربی. نشریه آموزه‌های فقه مدنی، ۱۴(۸)، ۱۴۵-۱۶۶.
۵۳. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۸هـ.ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۵۴. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۷). مکتب اجتهادی آخوند خراسانی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۵. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۰۶هـ.ق). منهاج المؤمنین. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۵۶. مستشاری، علیرضا (۱۳۹۳). تفسیر آیات برگزیده: پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی. تهران: دفتر نشر معارف.
۵۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا.
۵۸. مظاهری، حسین (۱۳۹۱). تقریرات دروس خارج فقه، کتاب النکاح به نقل از سایت مدرسه فقهت. بی‌جا: بی‌نا.
۵۹. معصومی، سمیرا، رضائیان، حمید، و حسینیان، سیمین (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت جنسی براساس الگوهای ارتباطی زوجین. نشریه مطالعات زن و خانواده، ۱(۵)، ۹۷-۱۰۱.
۶۰. معلوف، لوئیس (۱۳۷۳). المنجد الابدی. مترجم: بوستانی، قاسم. تهران: فقیه.
۶۱. معلی، مهدی، و محمدحسینی، سید عباس (۱۳۹۵). درآمدی بر تعامل قواعد اخلاقی و حقوقی. نشریه دین و قانون، ۴(۱۴)، ۱۹۳-۲۲۹.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴هـ.ق). کتاب النکاح. قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
۶۳. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۶۴. مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۹۲). اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۵۸(۱۸)، ۱-۲۸.
۶۵. مؤمن، رقیه سادات (۱۳۹۲). جایگاه و محدوده حق جنسی زوجین. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۶۶. میرشمسیری، مرجان، صالحی، مهرداد، مدحی، فاطمه، و کیان‌مهر، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین احقاق جنسی و تعارضات زناشویی در زنان. نشریه تحقیقات علوم رفتاری، ۲(۱۳)، ۲۴۳-۳۵۲.
۶۷. میرکمالی، علیرضا، و حسنی، محمد مهدی، دلپسند، کوروش، و رجبی فرد، سحر (۱۳۹۶). رابطه جنسی نامتعارف شوهر با زوجه از منظر فقه. نشریه حقوق و رویه قضایی، فقه پزشکی، ۳۲(۹)، ۸۷-۱۰۱.
۶۸. نجفی، محمدحسن (۱۴۲۰هـ.ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۶۹. نظری توکلی، سعید، و کراچیان ثانی، فاطمه (۱۳۹۷). قلمروی حقوق همسر در روابط زناشویی از منظر فقه و حقوق. نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۹(۱۰)، ۳۵۹-۳۷۸.
۷۰. نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۵(۱۵)، ۵-۲۹.
۷۱. نوبهار، رحیم، و حسینی، ام‌البنین (۱۳۹۷). حدود روابط جنسی زن و شوهر در چارچوب قاعده معاشرت به معروف، نشریه خانواده‌پژوهی، ۵۳(۱۴)، ۷۵-۹۴.

۷۲. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸هـ.ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.
۷۳. ویل دورانت، جیمز (۱۳۸۲). زن، مرد و اخلاق جنسی در گهواره‌های تمدن. مترجم: فتحی لقمان، علی. تهران: آوند اندیشه.
۷۴. هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۷). چالش‌های خانواده‌محوری در فقه و نظام قانون‌گذاری ایران. نشریه دین و قانون، ۲۰(۶)، ۶۶-۸۴.
۴۴. Frederick, M. B. (۱۹۷۱). The practical philosophy of Christian thomasius, *Journal of the History of ideas*, ۳۲, ۲۲۱-۲۴۶.
۴۵. Kant, I. (۲۰۱۳). *Moral Law: Groundwork of the metaphysics of morals*. Routledge. ISBN ۹۷۸۰۲۰۳۹۸۱۹۴۸
۴۶. Ripper, G. (۱۹۵۸). *droit civil francais*. Paris: N ۶۸۸.
- ۴۷